

نوع مقاله: پژوهشی

## دلالت آتوسکوپي بر اثبات وجود بُعد غيرمادی انسان

منصور کتيري / کارشناس ارشد فلسفه دین مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

mansour.kasiri@gmail.com

ORCID.org/0009-0004-4041-706X



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۳۱

### چکیده

در زمانه‌ای که به علل گوناگون، هستی انسان صرفاً مساوی با بدن مادی او انگاشته می‌شود و اعتقاد به امور متافیزیکی با شیدای یا اختلال روانی مساوی قلمداد می‌گردد، بروز برخی اتفاقات سبب می‌شود تا به این انگاره‌ها با دیده شک بنگریم. «آتوسکوپي» به‌عنوان پدیده‌ای که در آن انسان می‌تواند بدون استفاده از بدن مادی خود در زمان یا مکانی حضور داشته باشد و از پیرامون خود به ما گزارش اثبات‌پذیر ارائه کند، از این دست اتفاقات است. این مقاله با مراجعه به آزمایش‌های صورت‌گرفته، ضمن بررسی اقسام آتوسکوپي، ویژگی‌ها و تبیین‌های فیزیولوژیکی و روان‌شناختی، صحت آن را بررسی کرده و حدود اعتبار آن را در اثبات یا عدم اثبات بعدی غیرمادی برای انسان گزارش کرده است. براساس بررسی انجام‌شده، تجربه خروج از بدن یکی از اقسام آتوسکوپي به شمار می‌آید و می‌تواند ما را به بقای آگاهی پس از مرگ رهنمون شود.

کلیدواژه‌ها: آتوسکوپي، تجارب خروج از بدن، OBE، روح، مرگ.

امروزه به واسطه سیطره روح مادی‌گرایی بر جهان، ماهیت انسان تماماً برابر با بدن مادی و محدود به آن معرفی می‌گردد. این مسئله سبب می‌شود تا در برخورد با پدیده‌هایی که با این انگاره سازگار نیست، فوراً حکم به مادی بودن آن و البته ناشناخته بودنش داده شود، بی‌آنکه در جواب گوناگون آن رویداد پژوهش و دقت گردد. از جمله این موارد که می‌توان بدان اشاره نمود، پدیده «آتوسکوپ» است.

با جست‌وجو در منابع، موضوعی مطابق با موضوع نوشتار حاضر یافت نگردید، اگرچه جسته و گریخته می‌توان اشاراتی را بدان در کتب و مقالات یافت. بنابراین مقاله حاضر درصدد است تا با برطرف نمودن پراکندگی‌هایی که در تحقیقات مربوط به این موضوع یافت می‌شود و کم و کاستی‌هایی که به واسطه عدم جامعیت در آنها قابل مشاهده است، ضمن پاسخ به این سؤالات که آتوسکوپ چه ویژگی‌هایی دارد؟ اقسام آن چیست؟ چه شواهدی بر صحت آن وجود دارد؟ و نیز تبیین‌های مادی صورت گرفته و پاسخ‌های داده‌شده در این رابطه چیست؟ این موضوع مهم را که آیا می‌توان از آتوسکوپ به‌عنوان شاهی بر وجود بُعد غیرمادی برای انسان یاد کرد و آن را نشانه‌ای بر بقای روح و هویت انسانی پس از مرگ بدن دانست، بررسی کند.

## ۱. مفهوم‌شناسی

«آتوسکوپ» (Autoscopy) در لغت، ریشه در زبان یونانی دارد و از دو کلمه autos به معنای «خود» و skopeo به معنای «نگاه کردن به» تشکیل شده است (دی هین، ۲۰۱۹، ص ۱۶۱). این واژه در اصطلاح، مجموعه‌ای از تجارب است که در آن شخص می‌تواند بدن مادی خود را (بدون استفاده از ابزاری همچون آینه) مشاهده نماید. نخستین کسی که به این موضوع پرداخت، ارسطو فیلسوف یونانی بود (آنزولتی و دیگران، ۲۰۱۱، ص ۱)، اما اصطلاح «آتوسکوپ» توسط دانشمند فرانسوی فن د. سیکل (Fin de siècle) به کار برده شد. اولین تفسیرهای پزشکی از این واقعه را نیز ویگان (Wigan) در این رابطه ارائه داد.

آتوسکوپ ممکن است از چند ثانیه تا چند دقیقه و ساعت و حتی سال به طول انجامد (میشرا، ۲۰۰۹، ص ۵۹۱).

## ۲. اقسام آتوسکوپ

دانشمندان برای این واقعه اقسام متنوعی را استقرا کرده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

### ۲-۱. توهم آتوسکوپ

«توهم آتوسکوپ» (Autoscopic hallucination) حالتی است که در آن انسان، فردی را کاملاً شبیه خود مشاهده می‌کند. در این شرایط او همان‌گونه که دیگران را می‌بیند، می‌تواند فرد دیگری را ببیند که از هر جهت به وی شباهت دارد (براگر، ۲۰۰۲، ص ۱۷۹). در شرح‌حال تجربه‌کنندگان این حالت آمده است: فرد دیده شده که با نام

«همزاد» از او یاد می‌کنند، گاه به تقلید حرکات دست می‌زند و گاهی با شخص به گفت‌وگو می‌پردازد. همزاد همچنین در برخی عقاید با مشاهده کننده مخالف است (منافی و دیگران، ۱۳۷۷).

برای مثال، کسی که در جریان یک میهمانی دچار سردرد شدید بوده است، گزارش می‌کند قادر است شخصی را ببیند که شبیه خود او بوده و در آنجا حضور داشته است (مودی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۲).

## ۲-۲. تجربه خروج از بدن

«تجربه خروج از بدن» (Out of body experience) رویدادی است که در آن، انسان از بدنش خارج می‌شود و از جهت بالا به پایین نگاه می‌کند و بدن مادی خود را می‌بیند. در این حالت فرد از بدنش کاملاً بیرون است و از منطری غیر از بینایی خود، به اطراف می‌نگرد (بلانک و دیگران، ۲۰۰۵).

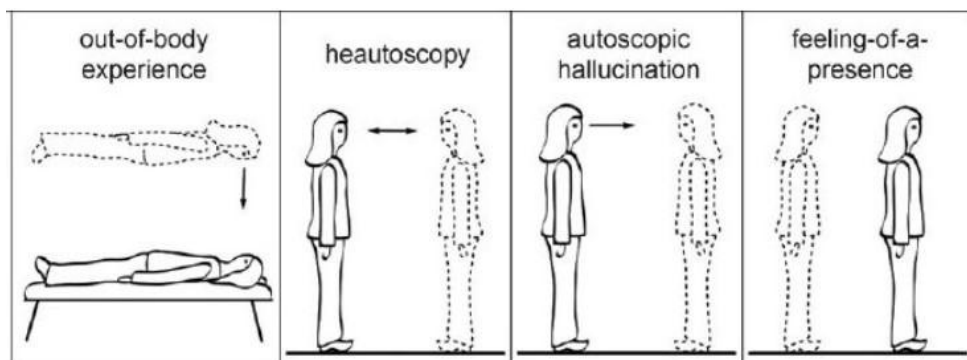
## ۳-۳. هیتاسکوپي

«هیتاسکوپي» (Heautoscopy) حالتی مابین دو قسم پیشین است؛ یعنی شخص فردی را کاملاً شبیه خودش می‌بیند، اما نمی‌تواند تعیین کند که دقیقاً زاویه دید او در بدن مادی اوست و یا از جهت مقابل به خود نگاه می‌کند (همان، ص ۱۸۷).

## ۳-۴. احساس حضور فردی در نزدیکی خود

گاهی انسان در شرایط «احساس حضور فردی در نزدیکی خود» (The feeling of a presence) قرار می‌گیرد و گمان می‌کند که فردی دیگر نیز در اطراف او حضور دارد، اما نمی‌تواند او را ببیند (همان، ص ۱۸۶).

تصویر ۱: اقسام آتوسکوپي



در تصویر فوق انواع چهارگانه آتوسکوپي با رسم شکل نشان داده شده است.

در میان اقسامی که برای آتوسکوپي نام برده شد، تنها «تجربه خروج از بدن» به‌عنوان واقعه‌ای که می‌تواند حاکی از حیات پس از مرگ باشد، مطمحنظر قائلان به وجود ماورا و مادی‌گرایان واقع شده است. به

اعتقاد این دو گروه، علل پدید آمدن سایر حالات، اختلال فیزیولوژیکی یا روانی بوده و از محل بحث خارج است. از همین رو مقاله حاضر نیز با توجه به موضوع آن، در ادامه تنها به «تجربه خروج از بدن» خواهد پرداخت و ابعاد آن را بیشتر می‌کاود.

#### ۴. تجربه خروج از بدن

همان‌گونه که بیان شد، «تجربه خروج از بدن» (OBE) رویدادی است که در آن انسان از بدنش خارج می‌شود و از منظری بیرونی نظاره‌گر اطراف است. «تجربه خروج از بدن» به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تجربه نزدیک به مرگ و با همان خصوصیات مطرح است. تنها اختلاف قابل ذکر این است که خروج از جسم در تجارب نزدیک به مرگ بر اثر سانحه، بیماری و یا هر چیز دیگری که زندگی انسان را به خطر می‌اندازد، ایجاد می‌شود؛ اما در «تجربه خروج از بدن»، علائم حیاتی فرد در حالت طبیعی قرار دارد و خطری جان او را تهدید نمی‌کند. بررسی OBEها به‌عنوان یک موضوع مستقل از تجربه‌های نزدیک به مرگ، از سال ۱۹۳۰ شروع شد (ایروین و دیگران، ۲۰۰۷، ص ۲۷۰-۲۷۱).

تجربه‌گندگان گزارش داده‌اند از بدن خارج شده‌اند و اتفاقاتی را که پیرامونشان در حال وقوع بوده به وضوح مشاهده کرده‌اند. نکته مهم در اینجا تأیید گفته‌های آنان توسط اطرافیان است. یکی از مشهورترین این موارد گزارش خانم ماریا است.

خانم ماریا در سال ۱۹۸۴ به علت حمله قلبی به بیمارستان انتقال داده شد. در آنجا احیا شد و شرایطش به حالت طبیعی بازگشت. وی پس از بهبودی ضمن بیان دقیق اتفاقاتی که در هنگام احیای او صورت گرفته بود، ادعا کرد که توانسته است از محیط داخل بیمارستان خارج شود و حتی لنگه کفشی را کنار یکی از پنجره‌های طبقه سوم بیمارستان بوده مشاهده کرده است. درمانگران با مراجعه به محل گزارش شده کفش موردنظر را همان‌جا مشاهده کردند (گریسون و دیگران، ۱۹۸۴، ص ۵۵).

این دست گزارش‌ها، حتی برای افراد نابینا که از نعمت داشتن قوه بینایی و مشاهده عالم ماده در طی زندگی خود محروم بوده‌اند نیز گزارش شده است (لانگ، ۲۱۰، ص ۵۲).

#### ۴-۱. اقسام تجربه‌های خروج از بدن

تجارب خروج از بدن را می‌توان به «اختیاری» و «غیراختیاری» تقسیم نمود. در حالت اول افرادی با تمرین، قوه خروج از بدن را با اراده و اختیار خود به دست می‌آورند. در عرفان اسلامی از این پدیده با اصطلاح «خلع بدن»، «مرگ ارادی» یا «موت اختیاری» یاد می‌کنند (معتمدی و فرحزاد، ۱۳۹۵). در حالت دوم برخی افراد به‌طور ناگهانی و غیراختیاری با این پدیده مواجه می‌شوند.

## ۱-۱-۴. اختیاری

مردی که تجربه خروج از بدن اختیاری داشته و مدعی است به راحتی هر زمان که بخواهد، می‌تواند از بدنش خارج شود، می‌گوید:

همسر من از ازدواج اولش یک پسر ۱۶ ساله داشت. ساعت سه صبح شده بود و او هنوز به منزل مراجعت نکرده بود. برای اینکه همسر من را آرام کنم، گفتم: نگران نباش! بدنم را رها خواهم کرد و به دنبال او خواهم گشت. در کمتر از یک ثانیه، در مقابل او بودم. آن پسر در یک مشروب‌فروشی بود. با اینکه مرا نمی‌دید، در چشمانش نگاه کردم و گفتم: به خانه برگرد! دیگر کافی است. نیم ساعت بعد به منزل آمد. فردا صبح ماجرا را با وی در میان گذاشتم. او از این مسئله تعجب کرد و بسیار خندید. اما زمانی که نشانی‌هایی را برای حضور خودم در آن لحظه و زمان به او دادم، در خود فرورفت (چاروبونیر، ۲۰۱۵، ص ۴۰).

در عرفان اسلامی چنین بیان می‌شود که توانایی بر خلق بدن، از جمله کارهایی است که سالک الی‌الله کم‌وبیش پس از طی طریقت، بدان دست پیدا می‌کند. *آیت‌الله مصباح یزدی* در همین رابطه نسبت به *آیت‌الله محمدتقی بهجت* می‌گوید:

مرحوم آقا مصطفی [خمینی] - رضوان‌الله علیه - از پدرشان مرحوم امام - اعلی‌الله مقامه - نقل می‌کرد: آقا معتقدند: جناب آقای بهجت دارای مقامات معنوی بسیار ممتازی هستند. از جمله مطالبی که از پدرشان درباره آقای بهجت نقل می‌کردند این بود که ایشان دارای موت اختیاری هستند؛ یعنی قدرت این را دارند که هر وقت بخواهند روح خویش را از بدن - به اصطلاح - خلع کنند و بعد مراجعت نمایند. این یکی از مقامات بلندی است که بزرگان در مسیر سیر و سلوک عرفانی ممکن است به آن برسند (باقرزاده، ۱۳۸۸، ص ۱۱۱).

## ۱-۲-۴. غیراختیاری

در یک تحقیق انجام‌شده بر روی ۱۲۴ نمونه OBE، ۸۴ درصد این حالات به صورت غیرارادی و کاملاً اتفاقی رخ داده است. این وقایع عمدتاً در شرایطی به وجود آمده که افراد تحت فشار عصبی بیش از اندازه‌ای مانند اطلاع از مرگ عزیزان و وحشت زیاد واقع شده‌اند (چاروبونیر، ۲۰۱۵، ص ۴۵). از این رو تعداد گزارش‌های اعلام‌شده ناشی از تجربه‌های خروج از بدن، در میان بازماندگان زلزله سانفرانسیسکو (San Francisco) در امریکا، رو به فزونی نهاد (وایلند و دیگران، ۲۰۰۹، ص ۹۳). مصرف مواد مخدر یا الکل، هیپنوتیزم و مدیتیشن نیز از دیگر عوامل این واقعه اعلام شده است (همان، ص ۹۱).

یکی از مشهورترین گزارش‌ها در این زمینه، به «گزارش ویلموت» (the Wilmot case) معروف شده است. همسر خانم ویلموت با کشتی، در حال سفر از لیورپول انگلیس به سمت نیویورک امریکا بود که در یکی از شب‌ها هنگامی که در اتاق خود استراحت می‌کرد، در عالمی شبیه خواب، خانم ویلموت را مشاهده کرد که در کنار در ورودی ایستاده است. یک هفته بعد آقای ویلموت همسرش را ملاقات کرد و از وی درباره آن شب سؤال نمود: آیا

سه‌شنبه شب گذشته با من ملاقات نکردی؟ با وجود فاصله ۳۰۰۰ کیلومتری در آن موقعیت، همسرش معتقد بود که او را دیده است. او می‌گوید:

در آن شب من بسیار نگران بودم؛ زیرا بر اثر بدی هوا و وقوع طوفان احتمال خطر می‌دادم. به‌ویژه اینکه خبر غرق شدن یک کشتی مسافربری هم گزارش شده بود. آن شب از نگرانی بیدار ماندم و در حدود ساعت ۴ صبح، احساس کردم روح از تنم جدا شد و از بالای اقیانوس طوفانی گذشتم تا به تو رسیدم. در آن موقعیت در کنار در ورودی ایستادم (مولدون، ۱۹۳۶، ص ۱۱۵-۱۱۶).

اولین تجربه خروج از بدن (خلع) مرحوم سیدهاشم حلال از عارفان بنام اسلامی نیز جزو این قسم تجارب قرار می‌گیرد. ایشان در این زمینه می‌گوید:

پاسی از شب گذشته بود. به خانه آمدم. خسته و فرسوده و گرسنه و تشنه بودم. خواستم به اتاق بروم که دیدم مادرزم کنار حوضچه عربی داخل منزل نشسته است... تا فهمید من از در وارد شدم، شروع کرد به بد گفتن و ناسزا و فحش دادن و با این کلمات مرا مخاطب قرار داد. من هم داخل اتاق نرفتم؛ یکسره از پله‌های پشت‌بام بالا رفتم تا در آنجا استراحت کنم. دیدم این زن صدای خود را بلند کرد و با صدای بلند به طوری که نه تنها من، بلکه همسایگان می‌شنیدند به من فحش و ناسزا گفت. گفت و گفت تا حوصله‌ام تمام شد.

بدون آنکه به او پرخاش کنم و یا یک کلمه جواب دهم، از پله‌های بام به زیر آمدم و از در خانه بیرون رفتم... در این حال ناگهان دیدم من دو تا شدم: یکی سیدهاشمی که مادرزن به او تعدی می‌کرد و سب و شتم می‌نمود، و یکی من که بسیار عالی و مجرد و محیط هستم و ابداً فحش‌های او به من نرسیده است و اصلاً به این سیدهاشم فحش نمی‌داده است (حسینی طهرانی، ۱۳۵۳، ص ۱۷۴-۱۷۵).

## ۲-۴. ویژگی‌های تجربه خروج از بدن

دارندگان OBE آن را چنین توصیف می‌کنند:

- ۱) هنگام خروج از جسم، بدنی همچون بخار یا مه داشته‌اند.
- ۲) تجربه‌شان کاملاً حقیقی و متمایز از خواب یا توهم بوده است.
- ۳) در تجارب اختیاری، تجربه‌کنندگان می‌توانسته‌اند در هر نقطه از جهان که می‌خواهند، حاضر شوند. آنها همچنین خصوصیات محیط اطراف مسیری را که گاه طولانی بوده و به سرعت طی می‌شده است، کاملاً به یاد دارند. تجربه‌کنندگان می‌توانستند از میان اجسام مادی نیز عبور کنند.
- ۴) تجربه‌کنندگان لحظه‌ای پیش از وقوع OBE و پس از آن در تاریکی فرورفته‌اند.
- ۵) آنها امکان شنیدن و دیدن واقعیت‌های مادی را داشته‌اند.
- ۶) افرادی که OBE‌شان در شرایط آزمایشگاه رخ داده، عملکرد مغزشان کاهش پیدا کرده، اما قلب و سایر دستگاه عصبی آنها به‌طور طبیعی در حال فعالیت بوده است.

۷) براساس یک تحقیق، ۶ درصد جمعیت اروپا تجربه خروج از بدن داشته‌اند. در تحقیق دیگر پاسخ ۲۵ درصد دانشجویان دانشگاه «ویرجینیا» (University of Virginia) به اینکه آیا تا کنون OBE داشته‌اند، مثبت بوده است. ۸۳ درصد این افراد بیش از یکبار با این واقعه روبه‌رو شده‌اند (جاور و دیگران، ۲۰۰۹، ص ۴۷۵).

### ۳-۴. راستی آزمایی

تاکنون تحقیقات متعددی برای راستی‌آزمایی OBEها انجام شده است. یکی از اینها بر روی دختری ۲۲ ساله بود که مکرر سابقه خروج از بدن داشت. او در ایام هفته یکی دو بار از خواب می‌پرد و در این لحظات احساس خروج از بدن داشت. این حالت نزدیک به ۳۰ ثانیه به طول می‌انجامید. وی این حالت را از کودکی داشت و ابتدا گمان می‌کرد همه انسان‌ها چنین‌اند؛ اما زمانی که این حالات را با دوستان خود در میان گذاشت با نگاه حیرت‌زده آنان مواجه شد.

دکتر چارلز تارت (Charles Tart) برای کشف حقیقت و اینکه آیا امکان خروج روح از بدن وجود دارد یا خیر، تصمیم گرفت این دختر را طی دو ماه و در چند شب متفاوت در هنگام خواب تحت مطالعه قرار دهد. در اتاق آزمایش یک ساعت دیواری نصب بود که هر شب یک عدد پنج رقمی بر روی آن قرار می‌گرفت. آن دختر موظف بود تا پس از خروج از بدن، آن عدد را ببیند و هنگام بیداری به اطلاع دکتر برساند. تارت می‌گوید: من برای اینکه احتمال آگاهی از طریق تله‌پاتی را به صفر برسانم، آن عدد را به صورت تصادفی از طریق رایانه چاپ می‌کردم و خود نیز از آن مطلع نبودم.

در دو شب اول، او نتوانست عدد مدنظر را ببیند، اما شب دوم اتفاقی تلخی را گزارش کرد. او دیده بود که دختر جوانی قریب ۱۳ تا ۱۶ ساله بر اثر ضربات چاقو به بدن و سرش کشته شد. قاتل که مردی جوان بود با یک ماشین سفیدرنگ از محل حادثه گریخته بود. عصر آن روز این واقعه از خبرگزاری‌ها به اطلاع همه رسید. او همه چیز را درست گفته بود. قاتل، ماشین سفیدرنگ و... دختر مزبور که در شب‌های پیشین نتوانسته بود عدد را ببیند، در شب چهارم موفق شد عدد ۲۵۱۳۲ را به درستی اعلام کند. از لحاظ ریاضی اینکه او توانسته باشد از طریق حدس زدن به چنین عددی برسد، یک در صد هزار است. بنابراین وقوع احتمالی آن بسیار بعید خواهد بود (ابن، ۱۹۸۷، ص ۱۷۳).

آزمایش دقیق دیگر مربوط به آقای/ اینگو/سوان (Ingo Swan) است. او که متولد سال ۱۹۳۳ در امریکاست، اولین تجربه‌اش را در سه سالگی و طی عمل جراحی لوزه، از سر گذراند. وی در این حالت توانسته بود تمام اتفاقاتی را که حین عمل در حال انجام بر روی بدنش بود، مشاهده کند. /سوان/ در سال ۱۹۵۷ به‌عنوان سرباز در شبه‌جزیره کره مشغول به خدمت شد. در این دوران یک تجربه خروج از بدن اختیاری داشت.

خانم میچل تصمیم گرفت تا با او به‌عنوان یک موضوع تحقیقی وارد همکاری شود. آزمایش به این صورت بود که /سوان/ ضمن قرار گرفتن بر روی یک صندلی در اتاقی جداگانه، به دستگاه

«الکتروآنسفالوگرام» (Electroencephalogram) متصل شد. در این هنگام خانم میچل و همکاران وی در اتاق دیگری مشغول بررسی فعالیت مغزی او گردیدند. در اتاقی که اسوان قرار داشت، جعبه‌ای در ارتفاع چهارمتری از سطح زمین از سقف آویزان شد. در این جعبه، اشیای گوناگونی قرار داده شده بود و او می‌بایست به درستی آنها را گزارش می‌داد. در گروه آزمایش تنها یک تن از چپستی اشیا با خبر بود و حتی خانم میچل نیز بی‌اطلاع بود.

طی ۶ ماه و هر هفته دو یا سه بار این بررسی ادامه پیدا کرد. او به درستی می‌توانست از آنچه در آن بالا قرار دارد، خبر دهد.

پس از بررسی امواج دستگاه الکتروآنسفالوگرام، مشخص شد در طول تجربه خروج از بدن، فعالیت مغزی اسوان کاهش محسوس داشته است و البته بخش راست مغز کمی بیش از بخش چپ آن (میچل، ۱۳۹۲، ص ۱۵-۳۲).

#### ۴-۴. تفسیرهای مادی

مخالفان حقیقی انگاشتن تجربه‌های نزدیک به مرگ، توجیهاتی مادی برای توضیح این وقایع در پیش گرفته‌اند. آنان در این رابطه گاه به امور فیزیولوژیکی و پزشکی توسل جست‌اند و گاه از امور روان‌شناختی کمک می‌گیرند.

چون OBEها در تجارب نزدیک به مرگ نیز مشاهده می‌شوند، تبیین‌های فیزیولوژیکی و پاسخ‌هایی که در تبیین مادی این تجارب مطرح و پاسخ‌هایی که بدان داده شده است، شامل تجربه‌های خروج از بدن نیز می‌شود؛ مانند کمبود اکسیژن، تحریکات لب گیجگاهی و اثرات داروهای شیمیایی. با این وجود، تاکنون دو فرضیه اختصاصی نیز برای OBE مطرح شده است که بدان‌ها خواهیم پرداخت:

#### ۱-۴-۴. تجربه خروج از بدن؛ یک سازوکار حیاتی

در این نظریه ادعا می‌شود که OBE عملکردی است که بدن در هنگام مواجهه با شرایط تهدیدکننده زندگی از خود بروز می‌دهد. این عمل موجب می‌شود تا بدن در مواقع بحرانی، همچون فشارهای عصبی بیش از اندازه‌ای که به دستگاه عصبی وارد می‌شود و یا محرومیت‌ها و کمبودهای روانی که ممکن است در اثر برخی عوامل پدید آید و یا حتی ضربات فیزیکی شدیدی که بر جسم وارد می‌شوند، عملکرد حیاتی خود را به نحو ثابت و استوار ادامه دهد (هانگر، ۱۹۷۹، ص ۲۴).

#### ۲-۴-۴. عملکرد الکتریکی متفاوت نیمکره‌های مغز

پیروان این دیدگاه معتقدند: هنگامی تجربه خروج از بدن پدید می‌آید که عملکرد الکتریکی نیمکره راست مغز نسبت به نیمکره چپ آن کاهش می‌یابد. این مسئله با دستگاه الکتروآنسفالوگرام و توسط برخی متخصصان آزمایش و ثابت شد. تفاوت میزان عملکرد دو نیمکره مغز موجب می‌شود تا میان بدن و مُدرک دوگانگی احساس شود (مونرو و دیگران، ۱۹۹۲، ص ۸۸۹).



## ۴-۵. نقد و بررسی

۱) دو دیدگاه قبلی هر دو در حد فرضیه باقی ماند و طی سال‌های بعد پیشرفتی نداشت. این مسئله نشان‌دهنده نقص آنهاست، و گرنه در صورت توانایی، در توضیح و تبیین OBEها ادامه می‌یافت (وایلد، ۲۰۱۱، ص ۴۴).

۲) در صورتی که تجارب خروج از بدن صرفاً اختلال فیزیکی باشند، گزارش‌هایی که تجربه‌کنندگان ارائه می‌کنند نباید حاکی از واقعیت بوده و مورد تأیید واقع شوند. این درحالی است که در آزمایش‌های گوناگون، همچون آزمایش خانم میچل و آقای تارت ادعای تجربه‌کننده تأیید شده است.

## ۵. تبیین‌های روان‌شناختی

بخشی از تبیین‌های روان‌شناختی OBE با تفاسیر مطرح‌شده در خصوص NDE مشترک است. اسکیزوفرنی، توهم و سازوکار دفاعی از این موارد است. در اینجا دو نظریه اختصاصی را که در این رابطه مطرح شده است، بررسی می‌کنیم:

### ۵-۱. نظریه روانکاوانه

در این دیدگاه، فرایند تجربه خروج از بدن چنین تبیین می‌شود:

چون هویت و شخصیت انسان به جسم مادی اوست، زمانی که دریافت ادراکات حسی از سوی بدن کاهش می‌یابد، هویت انسانی نیز با تهدید مواجه شده، در نتیجه اضطراب و استرس افزایش پیدا می‌کند. براساس نظریه «فرایند اولیه» فروید، در این شرایط مغز برای جلوگیری از فروپاشیدن «خود»، مفهوم بدن را تغییر می‌دهد و تلاش می‌کند هویت از دست رفته را بازآفرینی کند. OBE و احساس دوگانه میان بدن و «خود» محصول این روند است (پالمر، ۱۹۷۸، ص ۱۹).

«فرایند اولیه» در نگاه فروید، تصویری ذهنی است که انسان وقتی به مطلوبی دست پیدا نمی‌کند، به منظور مقابله و برطرف ساختن میل به آن مطلوب برای خود می‌سازد. برای مثال، اگر شما در گرمای شدید تابستان واقع شوید و به یک لیوان آب نیاز پیدا کنید اما دسترسی به آن میسر نباشد، احتمالاً بتوانید با ساخت یک تصویر ذهنی از نوشیدن یک لیوان آب با قطعات یخ داخل آن، مدتی بر میل شدید خود فائق آید.

### ۵-۱-۱. نقد و بررسی

۱) این نظریه در صورتی می‌توانست صحیح باشد که تمام OBEها در یک شرایط تهدیدآمیز و خطرناک پدید می‌آمدند. اما براساس برخی گزارش‌ها، تجارب خروج از بدن در حالات کاملاً طبیعی یا آرامش‌بخش، همچون مدیتیشن نیز رخ داده‌اند (وایلد، ۲۰۱۱، ص ۴۷).

۲) اینکه در شرایط کاهش ادراکات حسی، مغز دست به واکنش زده و به دنبال هویت‌سازی برای خود باشد صرفاً یک فرضیه بوده و ثابت نشده است.

۳) این ادعا که هویت و شخصیت انسان به بدن مادی‌اش باشد، نیاز به اثبات دارد. دلایل متعددی در نقد این عقیده وجود دارد که در جای خود به تفصیل بدان پرداخته شده است (ر.ک: رجیبی، ۱۳۸۱؛ الهی‌راد، ۱۳۹۹؛ کثیری؛ ۱۴۰۰).

## ۲-۱-۵. نظریهٔ شناختی

خانم *سوزان بلک‌مور* (Susan Blackmore) به‌عنوان واضع این نظریه معتقد است: دستگاه شناختی انسان واقعیت خارجی را براساس داده‌های حسی که دریافت می‌کند، شکل می‌دهد. زمانی که ادراک محسوسات با مشکل مواجه می‌شود و دیگر ورودی از خارج دریافت نمی‌شود، مغز واقعیت خارجی را براساس تصاویر و خاطرات پیشینی که نزد خود دارد، تخیل می‌کند. این اختلال ممکن است در اثر بیماری، اضطراب، مدیتیشن، دارو و مانند آن ایجاد شود. مغز در حالت عادی اطلاعات خود از محیط را به صورت نگاه از بالا به پایین یا - به اصطلاح - «چشم پرنده» ذخیره می‌کند. بنابراین هنگام بازیابی نیز آنها را همین‌گونه می‌یابد. به همین علت است که بیشتر دارندگان OBE مدعی‌اند که توانسته‌اند از نقطه‌ای در بالا به سمت پایین نگاه کنند (بلک‌مور، ۱۹۸۴، ص ۲۰۱).

در تأیید این نظریه، در یک بررسی مشخص شد کسانی که تجربهٔ خروج از بدن دارند به لحاظ قوهٔ تصور و تخیل، از سایرین قوی‌ترند (گیلکسون، ۱۹۹۰، ص ۶۷۵).

## ۱-۲-۵. نقد و بررسی

۱) طی یک پژوهش، مشخص شد وضوح تخیلات دارندگان تجربهٔ خروج از بدن در مقایسه با دیگر افراد تفاوتی ندارد. بنابراین شاید قدرت تخیل نزد تجربه‌کنندگان قوی‌تر باشد، اما وضوح این تصورات در هر دو گروه یکسان است. اگر تخیل را عامل OBE معرفی کنیم، بنابراین چرا این تجربه همگانی نیست؟ (وایلند، ۲۰۱۱، ص ۵۰).

۲) در نظریهٔ فوق، اینکه مغز دقیقاً تصاویر دریافتی را به چه صورتی ذخیره‌سازی می‌کند و مجدداً بازیابی می‌نماید، هنوز به‌طور کامل روشن نیست. بنابراین دیدگاه مزبور در تبیین OBE‌ها در حد یک فرضیه باقی می‌ماند (همان).

۳) اگر خروج از بدن را تصورات جایگزین شدهٔ مغز بدانیم، بنابراین نباید انتظار داشته باشیم آنچه دیده می‌شود با واقعیت مطابق باشد. این در حالی است که تجربه‌کننده توانسته است پس از خروج از بدن اطلاعات پیرامونی خود را به درستی گزارش دهد.

## ۳-۵. قابل آزمایش نبودن بُعد غیرمادی

مادی‌گرایان معتقدند: اگر OBE صحت داشته باشد و یک جزء غیرمادی لطیف در طی آن از بدن خارج شود، بنابراین باید بتوان آن را با استفاده از اشعهٔ ماورای بنفش یا مادون قرمز یا دستگاه‌های دقیق مغناطیس‌سنج مشاهده کرد و یا - دست‌کم - برخی جنبه‌های آن را ارزیابی نمود؛ اما طی آزمایش‌های صورت‌گرفته این امر میسر نشده است (بلک‌مور، ۱۹۸۷، ص ۵۷۲).

۱) اگر بخواهيم براساس اصول مقبول مستشکل پاسخ گوئيم و پاسخی نقضی ارائه نماييم، می توان گفت: اينکه برخی دستگاه‌های کنونی امکان ثبت نتایج مثبت را نداشته‌اند، شاید بدین علت بوده که ابزار نامبرده دارای قدرت و دقت لازم و کافی برای تشخیص در این زمینه نبوده است. ممکن است در آینده با پیشرفت‌های علمی و فناورانه که صورت خواهد گرفت، سرانجام بشر به ابزاری دست پیدا کند که مشاهده این موجودات برایش میسر باشد.

۲) براساس فلسفه اسلامی، روح عنصری غيرمادی و مربوط به قلمروی غير از جهان مادی است. پس اساساً مشاهده آن با ابزار مادی امکان ندارد. از این رو تلاش‌ها برای مشاهده روح از این طریق، آب در هاون کوبیدن است.

### نتیجه‌گیری

این مقاله کوشید براساس روش «تجربی» به بررسی میزان دلالت تجارب خروج از بدن به‌مثابه یکی از اقسام اتوسکوپي بپردازد و این موضوع را ارزیابی نماید که آیا می‌توان شاهی بر غيرمادی بودن آن یافت و آن را دال بر وجود روح دانست؟ لازم به ذکر است که در روش «تجربی» تکرارپذیری یک پدیده برای تأیید آن ضروری است. با این مقدمه باید گفت: نظر به تقسیم تجارب خروج از بدن به «اختیاری» و «غيراختیاری»، تنها تجارب اختیاری را می‌توان به صورت آزمایشگاهی بررسی کرد و البته خوشبختانه این دست تجارب بررسی شده و تأیید نیز شده است.

از سوی دیگر مخالفان وقوع OBE که به تقلیل آن به مباحث فیزیولوژیک یا روان‌شناختی اقدام می‌کنند با نقدهای درخوری مواجه هستند که تاکنون از پاسخ به آنها معذور بوده‌اند. از این رو می‌توان وقایع یادشده را شاهی بر متوقف نبودن آگاهی به بدن مادی دانست و یا - دست کم - آگاهی را محصول بدن و امری غيرمادی تلقی نمود. این سخن به معنای اثبات ویژگی غيرجسمانی برای انسان است که هنوز ابعاد آن از حیث روش «تجربی» ناشناخته است.

## منابع

- الهی‌راد، صفدر، ۱۳۹۹، *انسان‌شناسی*، چ هفتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞ باقرزاده، رضا، ۱۳۸۸، *برگی از دفتر آفتاب*، تهران، مشهور.
- حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین، ۱۳۵۳، *معادشناسی*، چ هشتم، تهران، حکمت.
- رجبی، محمود، ۱۳۹۰، *انسان‌شناسی*، چ پانزدهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞ کتیری، منصور، ۱۴۰۱، «نقش و جایگاه تجربه‌های نزدیک به مرگ در اثبات وجود روح»، *معرفت*، ش ۲۹۶، ص ۵۹-۷۰.
- معمودی، مسعود و ملک‌محمد فرحزاد، ۱۳۹۵، «مرگ ارادی (تسلط بر نفس)»، *پژوهشنامه عرفان*، ش ۱۸، ص ۱۸۵-۲۰۳.
- منافی، هادی و دیگران، ۱۳۷۷، «پدیده رؤیت همزاد و گزارش سه مورد»، *مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران*، ش ۴، ص ۲۹۵-۳۰۵.
- مودی، ریموند، ۱۳۷۳، *نورآنسوی*، ترجمه حسین جلیلیان، تهران، جمال‌الحق.
- میچل، ژ. لی، ۱۳۹۲، *احساس خروج روح از بدن*، ترجمه رضا جمالیان، تهران، عطایی.
- Anzellotti, F., Onofrj, V., Maruotti, V. et al, 2011, "Autoscopic phenomena: case report and review of literature", *Behavioral and Brain Function*, N. 7.
- Blackmore, Susan, 1984, "A Psychological Theory of the Out-of-Body Experience", *Journal of Parapsychology*, N. 48, p. 201-218.
- , 1987, *Out Of Body Experience*, in THE Oxford Companion to The Mind, Richard L. Gregory, NewYork, Oxford University Press.
- Blanke, Olaf, Mohr, Christine, 2005, "Out-of-body experience, heautoscopy, and autoscopic hallucination of neurological origin Implications for neurocognitive mechanisms of corporeal awareness and self consciousness", *Brain Research Reviews*, N. 50, p. 184-199.
- Brugger, Peter, 2002, "Reflective mirrors: Perspective-taking in autoscopic phenomena", *Cognitive Neuropsychiatry*, N. 7, p. 179-194.
- Charbonier, Jean Jacques, 2015, *Seven Reasons to Believe in the Afterlife, Translated by Jack Cain*, Canada, Inner Tradition.
- De Haan, Edward, 2019, *Impaired Vision*, USA, Wiley Blackwell.
- Ebon, Martin, 1987, *the signet handbook of parapsychology*, 4th edition, Signet.
- Glicksohn, Joseph ,1990, "Belief in the Paranormal and Subjective Paranormal Experience", *Personality and Individual Differences*, N. 11(7), p. 675-683.
- Greyson, Bruce, Flynn , C.P., 1984, *The near-death experience: Problems, prospects, perspectives*, USA, Charles C. Thomas Publisher.
- Honegger, Barbara, 1979, "Correspondence", *Parapsychology Review*, N. 10(2), p. 24-26.
- Irwin, Harvey, J., Watt, Caroline, A., 2007, *An introduction to parapsychology*, North Carolina and London, McFarland & Company, Inc., Publishers.
- Jawer, Michael, A., Micozzi, Marc S., 2009, *The Spiritual Anatomy of Emotion*, Park Street Press.
- Long, Jeffry, and Paul Perry, 2010, *Evidence of Afterlife*, USA, Harpercollins e books.
- Mishara, Aaron L., 2009, "Autoscopy: Disrupted Self in Neuropsychiatric Disorders and Anomalous Conscious States", in *Handbook of Phenomenology and Cognitive Science*, Schmicking, Daniel, Gallagher, Shaun.
- Muldoon, Sylvan, 1936, *The Case for Astral Projection*, Chicago, Aries press.
- Munro, Catherine, & Persinger, Michael, 1992, "Relative Right Temporal-Lobe Theta Activity Correlates with Vingiano's Hemispheric Quotient and the "Sensed Presence"", *Perceptual and Motor Skills*, N. 75, p. 899-903.
- Palmer, Parker J., 1978, "The Out-of-the Body Experience: A Psychological Theory", *Parapsychology Review*, N. 95, p. 19-22.
- Wilde, David John, 2011, *Finding Meaning in Out-of-body Experiences: An Interpretative Phenomenological Analysis* (Thesis), The University of Manchester, Manchester, UK.
- Wilde, David John, Murray, Craig D., 2009, "An Interpretative Phenomenological Analysis of Out Of Body Experiences in Two Cases of Novice Meditators", *Australian Journal of Clinical and Experimental Hypnosis*, N. 37, (2), p. 90-118.